

ازدواج یک ماهه دختر ۱۴ ساله؛

سرنوشت این دختر اشکتان را در می آورد!



بازگشتم ولی نمی دانم چگونه این صیغه محرمیت را فسخ کنم چون نمی خواهم آینده ام تیره شود و دوست دارم به هر طریق ممکن به تحصیلاتم ادامه بدهم و ... این گزارش حاکی است: با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد امیررضا فعال (رئیس کلانتری معراج مشهد) اقدامات مشاوره ای و بررسی های قانونی در این باره توسط مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

هم جدا شدند. یک سال بعد پدرم با زن دیگری ازدواج کرد و من هم در کنار نامادری زندگی جدیدی را شروع کردم. وقتی در کلاس اول دبستان مشغول تحصیل بودم روزی مادر برای دیدن من به مدرسه آمد و برایم چند لباس زیبا و یک عینک دودی آورد چرا که من از همان دوران کودکی به عینک علاقه زیادی داشتم. آن روز با خوشحالی لباس هایم را به خانه بردم و به نامادری ام نشان دادم ولی او وقتی فهمید که لباس ها را مادرم برایم خریده است همه آن ها را با قیچی تکه تکه کرد و عینکم را نیز شکست. این ماجرا خیلی در روحیه ام تاثیر گذاشت و آن روز چند ساعت اشک ریختم. ولی نامادری ام با آن که زن بدی نبود اجازه نمی داد که

مادرم را ملاقات کنم او حتی گاهی مرا تنگ می زد تا هوس دیدار مادرم را نداشته باشم. با این حال گاهی مادرم پنهانی به مدرسه می آمد و مرا در آغوش می گرفت و برایم تنقلات می خرید. پدرم نیز که ماجرا را فهمیده بود دیگر اجازه نداد به مدرسه بروم و من به ناچار در همان مقطع ابتدایی ترک تحصیل کردم و در کنار نامادری ام به امور خانه داری مشغول شدم و از خواهر و برادرم مراقبت می کردم. تا این که حدود ۶ ماه قبل یکی از همسایگان خواستگاری را به نامادری ام معرفی کرد و به او پیشنهاد داد برای رهایی از این وضعیت بهتر است مرا شوهر بدهد! اما او گفتن من دوست ندارم ازدواج کنم و می خواهم درس بخوانم. او هم که نقطه ضعف مرا پیدا کرده بود با مهربانی

در درس عشق جوان ۲۵ ساله به زن ۴۰ ساله؛

“عاطفه” مرد غریبه را تشویق کرد تا مرا کتک بزند!



همسر صیغه ای من به مادرم معرفی کرد. بیچاره مادرم با شنیدن این موضوع به شدت ناراحت شد و اشک چهره اش را پوشاند. خواهراتم نیز از تعجب هاج و واج مانده بودند و خیره به من می نگرستند. حالا من نمی توانستم ماجرای ازدواجم را انکار کنم و نه حرف های عاطفه را پذیرم ولی سکوت من گویای همه چیز بود. همه اعضای خانواده ام اشک ریزان مرا سرزنش می کردند که آرزوهایشان را به باد داده ام. در این شرایط با عصبانیت نزد عاطفه بازگشتم و به او اعتراض کردم که چرا چنین کاری کرده است. او هم با خونسردی گفت: بالاخره باید روزی این موضوع را می فهمیدند! حالا هم به همراه مادر و خانواده ات به خواستگاری بیا تا به صورت دائمی با هم ازدواج کنیم!

بدم که هیچ گاه به این موضوعات نمی اندیشیدم و در افکار خودم فقط به ازدواج با او فکر می کردم. حالا دیگر فقط به عشق «عاطفه» سرکار می رفتم و به عشق او زندگی می کردم. «عاطفه» هم که متوجه علاقه من به خودش شده بود بیشتر از گذشته به من محبت می کرد و با نگاه هایش قلبم را آتش می زد. بالاخره روزی دل به دریا زدم و به او پیشنهاد دادم که به طور موقت با هم ازدواج کنیم تا مدتی رابطه را به طور رسمی و دائمی به ثبت برسانیم. «عاطفه» هم که گویی منتظر چنین پیشنهادی بود، بلافاصله پذیرفت و بدین ترتیب با جاری شدن خطبه عقد موقت، من برای او و «فرزانه» یک واحد آپارتمانی اجاره کردم. وقتی او و دخترش در آن منزل ساکن شدند من هم به طور پنهانی به آن جا رفتم و آمد داشتم چرا که خانواده ام از این ازدواج مطلع نبودند. از سوی دیگر هم نمی توانستم ماجرای ازدواج با زنی مطلقه را که دختری ۱۳ ساله دارد، با خانواده ام در میان بگذارم ولی سعی می کردم با «فرزانه» هم رابطه خوبی داشته باشم و با او خوش رفتاری کنم که از من نفرت نداشته باشد. حدود ۲ سال از ازدواج پنهانی مامی گذشت تا این که چند روز قبل ناگهان «عاطفه» به در منزل ما آمد و خودش را به عنوان

گروه حوادث - هنوز هم باورم نمی شود همسر آن جوان غریبه را تشویق می کرد تا بیشتر مرا کتک بزند! با آن که حدود ۲ سال با یکدیگر و به صورت پنهانی ازدواج کرده بودیم ولی او مرا جوانی معرفی کرد که ... این ها بخشی از اظهارات جوان ۲۵ ساله ای است که به همراه یک زن و مرد جوان دیگر به اتهام نزاعی خونبار توسط افسران گشت پلیس به مقر انتظامی هدایت شده بود. او که با پیراهنی پاره و سروو ضعی خون آلود مقابل مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری آیکوه مشهد نشسته بود، درباره ماجرای عجیب این نزاع خونبار گفت: بعد از آن که دیپلم گرفتم و خدمت سربازی را به پایان رساندم، شغل مناسبی پیدا نمی کردم به همین دلیل هم وقتی شاگردی در یک فروشگاه پوشاک به من پیشنهاد شد با خوشحالی آن را پذیرفتم به طوری که حتی به دستمزد آن هم فکر نکردم.

خلاصه به عنوان فروشنده در قسمت مردانه فروشگاه در حالی مشغول کار شدم که چند دختر و پسر دیگر هم در آن جا استخدام بودند و به کار فروشنده گویی می پرداختند. چند ماه بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که حرکات و رفتارهای محبت آمیز «عاطفه» توجهم را به خود جلب کرد. او هم از فروشنده گانی بود که قبل از من در آن جا کار می کرد و مورد احترام همه کارکنان فروشگاه بود چرا که قلبی مهربان داشت و با خوشرویی و گشاده رویی با دیگران برخورد می کرد. با آن که دختران دیگری هم در فروشگاه حضور داشتند اما من جذب شخصیت و ادب «عاطفه» شدم. طولی نکشید که به او دل باختنم و به قول معروف چنان عاشق شدم که چشمانم جز او کسی را نمی دید! ابتدا فکر می کردم «عاطفه» دختری مجرد است اما خیلی زود فهمیدم که او چندسال قبل از شوهرش طلاق گرفته و با تنها دختر نوجوانش زندگی می کند! «عاطفه» ۱۴ سال از من بزرگ تر بود و دخترش هم ۱۳ سال داشت ولی من چنان شیفته ظاهر زیبا و مهربانی هایش شده

پدرزنم کمک مالی نکرد؛ همسرم را کشتیم

گروه حوادث - مرد همسرکش در دادگاه گفت به دلیل مسائل مالی با همسرش درگیر شد و او را به قتل رساند. مرد دشمن که همسرش را زیر مشت و لگد به قتل رسانده است همکاری نکردن خانواده همسرش در حل مشکلات مالی و رفتار سرد زن را انگیزه اش از قتل عنوان کرد. پدر مقتول که در دادگاه درخواست قصاص کرد، گفت برای امدادش خانه اجاره کرده و سرمایه داده بود تا کار کند. اما این مرد کاری کرد که او برای همیشه داغدار باشد. یک سال قبل از بیمارستانی در تهران به پلیس خبر دادند زن جوانی به نام میترا که دچار کودی های ششکستی های گسترده بود در بیمارستان جانش را از دست داده است.

گزارش اولیه پزشکی این زن نشان می داد او به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفته و خونریزی داخلی عامل مرگش بوده است. با مرگ مشکوک این زن ماموران به بازجویی از همسر ۲۷ ساله او به نام قاسم پرداختند و به اختلاف های این زوج پی بردند. به این ترتیب فاش شد میترا در خانه اش به دست همسرش مورد ضرب و شتم قرار گرفته و کشته شده است. مرد خشن در بازجویی هابه کتک زدن مرگبار همسرش اعتراف کرد.

متهم گفت: چند سسال پیش با میترا ازدواج کردم و حالا یک فرزند دو ساله دارم. من از همان ابتدای زندگی شرایط مالی خوبی نداشتم، به همین خاطر مجبور شدم خانه کوچکی اجاره کنم. بعد از چند ماه خانواده همسر قول دادند برای حل مشکلات مالی به ما کمک کنند؛ اما به وعده شان عمل نکردند. آن ها همیشه سرم منت می گذاشتند و من از این ماجرا ناراحت بودم.

او ادامه داد: روز حادثه من و همسرم سر مسائل مالی با هم درگیر شدیم. میترا حرف هایی زد که از شنیدن شان ناراحت شدم. او می گفت خانوادهاش همیشه به ما کمک مالی کرده اند! اما این طور نبود. آن ها فقط وعده و وعید می دادند و میترا سر من منت می گذاشت. وقتی دعوا میان ما بالا گرفت کنترل اعصابم را از دست دادم و همسرم را کتک زدم. وقتی به خودم آمدم که متوجه شدم میترا نیمه جان روی زمین افتاده و نمی تواند بلند شود. بلافاصله او را به بیمارستان رساندم، اما کار از کار گذشته بود.

به دنبال اظهارات این مرد ماموران مشغول تحقیق از پدر و مادر قربانی

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>مفقودی</h3>	<h3>سم پاشی</h3>	<h3>جرثقیل</h3>	<h3>نرم افزار حسابداری</h3>
<p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۶۸۶۸۴/۰۱ به نام مریم رونقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p>شرکت کیمیا سم کیش مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳</p>	<p>جرثقیل ۲۵ تنی آماده همکاری با کلیه پروژه های کیش ۰۹۳۴۷۶۹۸۰۰۲ اسماعیلی ۰۹۱۲۷۶۹۸۰۰۲</p>	<p>نمایندگی نرم افزار حسابداری هلو فروش /خدمات/ آموزش بهکیش غرفه ۶۷ ۰۹۳۴۷۶۸۲۸۰۷ تسکینی</p>
<h3>اصل سند خودروی سواری نیسان ماکسیما رنگ نقره ای متالیک به شماره پلاک ۲۲/۲۵۸۵۸ شماره موتور VQ35029336Y و شماره شاسی 1N4AA5AP3BC805024 به نام مهدی مرادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</h3>	<h3>حمل بار</h3>	<h3>استخدام</h3>	<h3>خدمات</h3>
<h3>نیازمندیهای اقتصاد کیش</h3> <p>۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p> <p>تخفیف ویژه با توجه به شرایط پیش آمده در اطلاع رسانی حوزه کسب و کار، روزنامه اقتصاد کیش افتخار دارد خدمات شما را با شرایط و تخفیفات ویژه اطلاع رسانی نماید. تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>کارمند امور اداری خانم آشنا به کامپیوتر و امور اداری جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است شماره تماس: ۴۴۲۴۹۹۹</p> <p>نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۳۹۱۰ - ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>	<p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p> <p>خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴</p>
<p>دوربین های مدار بسته درب های اتوماتیک دارکوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<p>مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان</p>	<p>شرکت کیمیا سم کیش</p>	<p>۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳</p>

مبارزه با حشرات و خزندگان و جوندگان | شرکت کیمیا سم کیش | تلفن: ۰۹۳۴۷۶۹۰۵۰۳